



سبک شناسی زبانی قیده‌ها در وقفنامه‌های کرمانشاه (دوره قاجار) بر اساس نظریه هلیدی



محمد مولایی*
فاطمه ایبک آبادی**

چکیده

وقفنامه‌ها متونی هستند که در نگارش آن‌ها از زبان و ادبیات ویژه با اصطلاحات حقوقی استفاده می‌شده‌است. قید، یکی از با اهمیت‌ترین وجوه زبانی در متون فارسی است که کاربرد آن در وقفنامه‌ها نیز مشهود است؛ زیرا در این متون مقدار، اندازه و حدود و ثغور موقوفه، شرایط متولی، ناظر، موقوف‌علیه و نحوه هزینه‌کرد درآمد موقوفه در آن تعیین می‌شود. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. بررسی و تحلیل نمونه‌های مورد مطالعه که به شکل تصادفی از میان وقفنامه‌های دوره قاجار در کرمانشاه، انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد سبک، شکل و شیوه نوشتار آن‌ها مشابه و اغلب نزدیک به هم بوده‌است. با توجه به نظریه مقوله و میزان هلیدی، به نظر می‌رسد که در کاربرد مقوله قید، این نویسندگان، در ساخت واژگانی، از گروه‌های اسمی جانشین ادات در جمله، به صورت قیده‌های زمان و مکان و گروه‌های حرف‌افزاداری که جانشین قید می‌شوند، استفاده کرده و با تکرار آن واژگان، به رفع ابهام و محدود و مشخص کردن وجوه مختلف وقفنامه، بیان منظور واقف و چگونگی حسن اداره وقف و تحصیل درآمد از موقوفه پرداخته‌اند. در این نوشته‌ها تکرار قیده‌های فارسی و عربی و تنسيق مداوم آنها در مورد موقوفه و واقف، علاوه بر تعیین درست و کامل حدود و ثغور و تأکید بر اصل مهم رفع ابهام، نشان از اهمیت خاص آن فرد یا آن قسمت از نوشته داشته‌است. گاهی نیز کاربرد شاخص‌ها درباره واقف یا شاهدان امر وقف، ادب‌ورزی و تمایل دینی شخصی یا قومی نویسنده را به شخص یا موضوعی خاص نشان داده‌است.

واژگان کلیدی: وقفنامه، سبک‌شناسی زبانی و نقش‌گرا، نظریه مقوله و میزان هلیدی، قید

*. دکترای زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر وقف
Mohammad.molaei1353@yahoo.com
**. دکترای زبان و ادبیات فارسی
f.eybakabadi@yahoo.com

فرهنگ‌ها و ادیان مختلف در سرزمین‌های گوناگون دارای سنت‌ها و آیین‌های متفاوتی هستند که هریک به نوبه خود بیانگر وجهی از تمایلات اجتماعی آن جامعه می‌باشند. انسان‌ها در طول تاریخ همواره به دنبال راهی برای رهایی از بند گناه و بخشش و آمرزش آن توسط خداوند بوده‌اند. یکی از راه‌های مهم در رسیدن به این هدف، بخشش و نیکی به هموعان بوده‌است که در طول تاریخ حیات بشر با عناوین مختلفی از آن یاد شده است. یکی از این عناوین، سنت حسنۀ وقف می‌باشد.

وقف در اسلام علل گوناگونی داشته و دارد. یکی از علت‌های وقف اموال، امید به بخشایش خداوند است. اما «در کنار بخشش گناهان، اطاعت از امر الهی و تقرب به خداوند، نباید فراموش کرد که شائبۀ ترس از غارت و مصادره شدن اموال ثروتمندان بزرگ و متمول‌شدگان وابستۀ به دربارها، بخصوص در دورۀ قاجار، بوسیله مردم یا حکام، انگیزه‌ای قوی و نهان برای وقف در واقفان به وجود می‌آورده است که نمی‌توان به تمام و کمال، آنرا نادیده گرفت» (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۶۳). البته هدف از وقف بنا بر تصریح متن‌ها، در درجۀ نخست، اجرای امر الهی و شرع نبوی و سیرۀ معصومین علیهم‌السلام است تا پس از رحلت واقف، صدقۀ جاریه‌ای برای او باشد و وی از منافع معنوی این کار خداپسندانه، برخوردار شود.

وقف از جمله سنت‌های حسنۀ ایرانی- اسلامی است که قدمتی به پهنای تاریخ دارد. برای اجرای این سنت متونی همانند وصیت‌نامه نگاشته می‌شود که آن را وقف‌نامه می‌نامند. وقف‌نامه‌ها از جمله متونی هستند که نه تنها با کارکردی خاص نگاشته می‌شوند بلکه به سبب آنکه نویسندگان و محرران خاص دارند، دارای ادبیات ویژه هستند. بنابراین می‌توان با توجه به دیدگاه‌های مختلف زبان‌شناسی و سبک‌شناسی به نقد و بررسی شیوۀ نگارش آنها پرداخت.

نظریۀ مقوله و میزان هلیدی از جمله نظریاتی است که در سبک‌شناسی زبانی متون، همواره راهگشای زبان‌شناسان بوده‌است. در پژوهش حاضر، محقق تلاش کرده است تا ضمن بررسی کارکرد قیدها در وقف‌نامه‌ها، آنها را از نظر سبک‌شناسی زبانی با استفاده از نظریۀ هلیدی بررسی نماید. به همین منظوری پس از بیان پیشینه پژوهش، ابتدا به معرفی وقف‌نامه‌ها از لحاظ شکل، ساختار و شیوۀ نگارش آنها پرداخته شده است و در ادامه با شرح نظریۀ مقوله و میزان هلیدی، وقف‌نامه‌های دورۀ قاجار و پهلوی کرمانشاهان، از لحاظ سبک‌شناسی زبانی بررسی گردیده است.



۱-۱. پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

از آنجا که نظریه‌های هلیدی از نظریه‌های مهم و مشهور در زبان‌شناسی و سبک‌شناسی می‌باشد، پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه صورت گرفته است و بسیاری از متون فارسی و غیر فارسی با استفاده از این نظریه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان از پژوهش‌های زیر یاد کرد:

تقی پورنامداریان (۱۳۸۹)، به تحلیل انسجام و پیوستگی در یکی از غزل‌های حافظ پرداخته و در این راستا رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا را سرلوحه پژوهش خویش قرار داده است. وی در این پژوهش به کاربرد این نظریه برای اثبات انسجام متون تأکید داشته است.

سید علی سراج (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به مطالعه دستور نقش‌گرای هلیدی در ده رمان از ده نویسنده زن ایرانی پرداخته و تحلیل خویش را بر دو بخش تحلیل بر مبنای فرانش اندیشگانی و فرانش بینافردی وجه متمرکز ساخته و در نهایت به نتایج قابل قبولی در زمینه ارتباط این مبنای ده داستان دست یافته است.

همچنین والی رضایی و همایون سعیدی (۱۳۹۴)، طی یک بررسی نقش‌گرا به کاربرد گروه‌های حرف اضافه‌ای در متون فارسی پرداخته و نشان داده‌اند که این گروه‌ها علاوه بر ادات، نمودهای دیگری نیز در زبان دارند.

معصومه مهرابی و آرمان ذاکر (۱۳۹۵)، ضمن تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان، به بررسی فرآیندهای تجربی و کاربرد آنها، بر اساس دستور نقش‌گرای هلیدی پرداخته و ارتباط مضامین با فرآیندها را یافته‌اند.

در بسیاری از موارد علاوه بر متون ادبی، آیات و سوره‌های قرآن کریم نیز با استفاده از نظریه هلیدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مریم عزیزخانی و دیگران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح»، این سوره را با تحلیلی زبان‌شناختی، در سه فرانش تجربی، بینافردی و متنی مورد بررسی قرار داده و بازتاب ویژگی‌های معنایی متن در ویژگی‌های بافت موقعیت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

چنانکه ملاحظه می‌گردد تمرکز پژوهشگران بیشتر بر روی متون ادبی و سوره‌های قرآن بوده و در هیچ پژوهشی متون وقف‌نامه‌ها از لحاظ زبان‌شناسی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند زیرا در بسیاری از موارد وقف‌نامه‌ها در زمره وصیت‌نامه یا متن‌های مذهبی قرار گرفته‌اند و کمتر به ساختار و سبک و سیاق نوشتار و زبان ادبی آنها توجه شده‌است.

در نتیجه پژوهشگران به دلیل اهمیت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی سنت حسنه وقف در ایران و نقش مهم آن در بررسی فرهنگ جوامع، بررسی متن وقفنامه‌ها را امری ضروری و نو دانسته و به این مسئله پرداخته‌اند.

۲-۱. روش تحقیق

روش کار در این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی بر اساس نظریه مقوله میزان هلیدی است. بدین ترتیب که ابتدا با بررسی متن پنج وقفنامه از کرمانشاهان که به طور تصادفی انتخاب شد، قیدها و انواع آن بر اساس تقسیم‌بندی دکتر باطنی از قید (مطابق نظریه هلیدی)، مشخص گردید. سپس بسامد قید و چگونگی کارکرد آن در متون مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۱. چهارچوب نظری پژوهش

زبان‌شناسی نوین به این نتیجه رسیده است که آمیختن صورت و معنا باعث گمراهی است و اگر محقق بخواهد درباره زبان تصور درستی پیدا کند، باید نخست ساختمان صوری زبان را مورد مطالعه قرار دهد (باطنی، ۱۳۷۳: ۲۷). واژگان مهمترین سازندگان ساختمان صوری متون هستند و در جایگاه‌های مختلف می‌توانند با نقش‌هایی که می‌پذیرند معنا و ساختار زبانی را تغییر دهند. «واژه به عنوان مهمترین ابزار انتقال اندیشه و زبان نویسنده، نقش بسزایی در پیوستگی مطالب یک متن ایفا می‌کند. به گونه‌ای که نحوه کاربرد واژگان در یک متن، نوع متن و سبک صاحب اثر را آشکار می‌سازد. بدین دلیل که معنا از طریق واژگان منتقل می‌شود» (عباسی، ۱۳۹۲: ۶). «مورد توجه قرار دادن متون مذهبی و اسلامی از منظر زبان‌شناسی در واقع سابقه‌ای به اندازه نزول قرآن کریم دارد، اما زبان‌شناسی جدید در قرن بیستم و سال‌های اخیر گام‌های بلندی با ارائه نظریات جامع برداشته است» (عرب زوزنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۱).

در پژوهش حاضر، اساس کار، بر مبنای بررسی نحوی نقش واژگانی که در جایگاه ادات یا قید در وقفنامه‌ها هستند، قرار گرفته است؛ تا پیوند آن با فرانش‌های بینافردی و روابط تجربی و بینامتنی مشخص شود. علاوه بر این مقوله قید در وقفنامه به دلیل رفع ابهام و کژتابی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. قیدها هم از نظر دستور زبان و کاوش‌های متنی اهمیت بسیار دارند و هم از لحاظ حقوقی نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ زیرا نشان‌دهنده حدود و اندازه وقف و اختیارات افراد می‌باشند. بنابراین، ابتدا باید به شکل‌شناسی کلی متن وقفنامه‌ها پرداخته و سپس با کمک نظریه مقوله و میزان، نقش



قیدها و اهمیت آنها و پیوندشان با فرانش‌ها را بررسی نمود.

۱-۳-۱. شکل‌شناسی وقف نامه‌ها

«واژه وصیت صورت عربی آن «وصیه» و جمع آن «وصایا»، اسم است و برگرفته از «أوصی، یوصی، إیصاء» به معنای عهد است. در ذیل و شرح این واژه و مفاهیم مزید آن، معانی مختلفی از جمله: عهد کردن، سفارش کردن، توصیه کردن، واگذار کردن، مأمور کردن، وصل کردن چیزی به چیز دیگر آمده است» (ابن منظور، ۱۴۲۷، ج ۱۵: ۳۱۱). با توجه به تعریف فوق می‌توان وقف‌نامه‌ها را جزء مکاتبات و به طور اخص، وصیت‌نامه‌ها به‌شمار آورد؛ زیرا در وقف‌نامه نیز مانند وصیت نامه‌ها، «وصیت کننده در حال زندگی و اختیار، دیگری را خلیفه و ولی‌عهد خود قرار می‌دهد تا پس از فوت وی، طبق خواسته‌های او عمل کند» (قونوی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۹۷) اما در وقف‌نامه‌ها وجهه عمومی و اجتماعی (کاهش فاصله طبقاتی و گسترش دانش و هنر) و جنبه حفظ و آبادانی موقوفه، بسیار، مورد تأکید است.

معمولاً هر وقف‌نامه از نظر ساختمان ظاهری دارای بخش‌های زیر می‌باشد:

الف: نام و یاد خدا

ب: براءت استهلال در ذکر اوصاف نیکوی وقف و چرایی انجام آن توسط واقف

ج: مشخصات واقف و حدود، ثغور و اندازه آنچه که نسبت به وقف آن اقدام کرده است.

د: مشخصات متولی (ها) و نسبت آنها با واقف

ه: چگونگی انجام وقف و مشخص کردن محل صرف درآمدهای موقوفه و حیطه اختیارات

متولی

و: واژگان متداول برای ختم نامه‌ها (تاریخ، مهر، امضا و...)

وقف‌نامه‌ها نسبت به متون دیگر، دارای ساختمانی خاص، مملو از صفت‌ها و القاب و عناوین هستند. کاربرد بدل‌ها نیز در ساختار وقف‌نامه، فراوان و چشم‌گیر است. اما نکته حائز اهمیت در پژوهش حاضر، وجود قیدها در این متون است. از آنجا که نگارندگان وقف‌نامه‌ها از تحصیل‌کردگان حوزه‌ها و مکتب‌خانه‌ها بوده‌اند و به شکل خاص، قصد اظهار علم و توانمندی در نویسندگی نداشته‌اند یا کاربست عناصر زیبایی کلام، ممکن بود متن آنها را کژتاب و خدشه‌دار کند، پس طبیعی است که این متون از لحاظ دستوری با سایر متون ادبی تفاوت‌های چشم‌گیری داشته باشند؛ ولیکن از سوی دیگر چون نگارندگان این متون، موظف بوده‌اند تا حدود و ثغور وقف و نحوه به مصرف‌رساندن عواید حاصل

از اموال و املاک وقف‌شده را بیان نمایند، به ناچار از قیده‌های گوناگون و گروه‌های اسمی جانشین آنها استفاده نموده‌اند. از همین‌رو کاربرد قیده‌های متعدد و مکرر در وقف‌نامه، برای احراز هویت وقف و تعیین حدود دقیق مصارف آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. از دیدگاه فرانقشی نیز، اینکه واقف بر اساس تجربه‌اش درآمد ملک را به‌چه دلیل و برای چه کسانی و به دست چه کسانی حبس می‌کند، حائز اهمیت است؛ چراکه اهداف اجتماعی مثل ساختن مدارس و... اهداف دینی مثل خشنودی خداوند و بنای مساجد و عمران آنها و... اهداف سیاسی چون خارج کردن اموال از دسترس حکومت و قدرت و... اهداف مالی مثل خارج کردن اموال از دست میراث‌خوارگان نالایق، و زنده و زایا نگاه‌داشتن اموالی که واقف برای آن عمر خویش یا خاندانش را صرف کرده است؛ از علل و عوامل بیرونی عمل به سنت وقف بوده‌اند؛ پیوستگی اندیشه‌ی واقف به هریک از این زمینه‌ها و عوامل فرانقشی از لابه‌لای متن و بخصوص در کاربرد قیدها و ارتباطشان با افراد یا همان روابط بینافردی (یک چهارم در آمد موقوفه به فرزند ذکور ارشد) و روابط بینامتنی با سایر متون (دینی و بخصوص قرآن مجید) و عوامل منطقی و تجربی (نگرانی‌های دایمی مالداران برای حفظ مال) پیوندی منطقی بوده است. به عبارت دیگر این جستار به کمک متن، به اندیشه‌های پنهان شده در متن، و زمینه‌ها، کارکردها و اهداف آن دست می‌یابد که حرکت از دریافت‌های زبانی به دریافت‌های فکری است. تعلیم، پند و اندرز، ترغیب و تشویق، تحذیر و انذار، اظهار، بیان عاطفه از اهداف مطالعاتی در بیان فرانقش‌ها هستند. بی‌گمان، در متن وقف‌نامه‌ها، می‌توان تمام این اهداف را ردیابی نمود. وقف‌نامه‌ها تعلیم می‌دهند که باید به بخشندگی خداوند امیدوار بود؛ وقف‌نامه‌ها، به همه انسان‌ها پند می‌دهند که دنیا محل گذر است و نیک‌نامی با عمل به امر الهی، توشه‌ی است که می‌توان از دنیا گرفت؛ وقف‌نامه‌ها، ما را به دل‌کندن از دنیا دعوت می‌کنند و به بخشش و بخشیدن و اصلاحات اجتماعی و... ما را ترغیب می‌کنند و فرا می‌خوانند؛ وقف‌نامه ما را از به هدر دادن اموال یا خودخواهی و خودبینی برحذر می‌دارند؛ وقف‌نامه‌ها اندیشه‌های دینی و مذهبی واقفان را برای دیگران مشخص می‌کنند و اظهار می‌دارند؛ برخی از وقف‌نامه‌ها نشانگر عواطف پدری یا مادری و بیشتر از همه بیانگر عواطف انسانی و نوعدوستی نسبت به همه انسان‌ها هستند. این کارکردها فرانقشی هستند و چه بسا که در متن بدانها تصریح نمی‌شود.



۱-۳-۲. سبک‌شناسی نقش‌گرا

زبان‌ها در طول تاریخ تکامل خود همواره دستخوش تغییرات گسترده بوده‌اند. در دوره‌های مختلف تاریخی، با توجه به اوضاع اجتماعی و فرهنگی، نفوذ فرهنگ‌ها و مکاتب مختلف، مهاجرت شعرا و نویسندگان و... سبک‌های مختلف ادبی ظهور پیدا کردند. «از آنجایی که زبان در طول زمان تغییر می‌کند، لاجرم در جوامع انسانی دچار تنوع می‌شود» (متیوز، ۱۳۸۸: ۴۴) و شکل‌ها و سبک‌های گوناگون می‌یابد. در واقع «سبک، نحوه بیان ما فی الضمیر یا وحدتی است که با تکرار ویژگی‌هایی زبانی، فکری و ادبی، روحی واحد را به یک اثر می‌دمد» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۴).

سبک‌شناسی پس از یک دوره دل‌مشغولی با شکل‌های شاعرانه و بررسی پدیده‌های صوری سخن (سبک‌شناسی فرمالیستی) به تدریج به سوی مطالعه بافت، نقش و معانی بینافردی و اجتماعی گرایید و در اواخر دهه هفتاد میلادی با چرخش به سوی زبان‌شناسی نقش‌گرا با نام «سبک‌شناسی نقش‌گرا» وارد میدان شد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

یکی از نظریه‌های مهم در سبک‌شناسی نقش‌گرا، آرا و نظریات مایکل هلیدی، زبان‌شناس بریتانیایی مقیم ایتالیایا است. «دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی از مکتب لندن و مشخصاً نظریه نظام-ساخت فرث، آرای یلمزف، پراگ و به ویژه آرای متسیوس تأثیر پذیرفته است و یک چهارچوب فکری است که به دنبال کشف و ارائه توجیهی برای ساختارها و رفتارهای زبانی است» (نجفی، ۱۳۸۸: ۳۱).

هلیدی در نظریه خویش سه فرانقش برای زبان در نظر می‌گیرد: فرانقش اندیشگانی، فرانقش بینافردی، فرانقش متنی. فرانقش‌ها بی‌آنکه نوشته شده باشند، برآیند نقش‌های به کاربرده شده در درون متن هستند و از ساخت کلی حاکم بر متن استخراج می‌شوند. همانطوریکه احساس شادی از دیدن یک تصویر یا نقاشی از کل آن فراهم می‌شود و با تک‌تک اعضای حاضر در تصویر مرتبط است اما به تنهایی هیچ‌یک از آنها نیست.

«فرانقش متنی به ساخت متن مربوط می‌شود. این بخش از نقش‌های سه‌گانه زبان، اهمیت بیشتری در مقابل فرانقش‌های دیگر دارد؛ زیرا در این نقش، نویسنده در تفسیر تجربه و اجرا گذاشتن روابط بینافردی، کوشش بسیار می‌کند» (ساسانی، ۱۳۸۹: ۴۹). در هر یک از نقش‌های فوق، سه عامل دخیل هستند. «فرآیند، مشارکین فرآیند و عناصر پیرامونی».

فرآیند: ناظر است بر یک رخداد، یک کنش، یک حالت احساسی، گفتاری یا وجودی؛ (چه چیز سبب شده است که واقف اقدام به وقف می‌کند).

مشارکین فرآیند: شامل عوامل و عناصری می‌شود که ممکن است یکی از این ویژگی‌ها را داشته باشد: (۱) عامل فرایند هستند. (۲) فرایند بر آنها اعمال می‌شود. (۳) از فرایند بهره‌مند می‌شوند» (مهاجر، ۱۳۷۶: ۴۰-۳۹). در وقفنامه‌ها مشارکین فرآیند اهداف وقف را در بر می‌گیرند و نشان می‌دهند که وقف برای چه کاری یا چه کسانی و یا برای جلوگیری از چه چیزی انجام شده است. حضور افرادی که به هر نحو در ارتباط با اهداف وقف قرار می‌گیرند؛ از متولی و بهره‌مندان از درآمد وقف تا کسانی که سود ملک از آنها بازگرفته می‌شود، نشان دهنده روابط بینافردی متن و واقف با ایشان است.

عناصر پیرامونی: عناصر پیرامونی شامل مکان، زمان، شیوه عمل، وسایل، اسباب و شرایط فرایند می‌شود و معمولاً در گروه قیدی و گروه حرف اضافه‌ای متجلی می‌شود. این عناصر به گونه‌های زمانی، مکانی، چگونگی و سبب، نقش و موضوع تقسیم می‌شوند (همان، ۴۰-۴۷). این بخش که همان زمینه و بافت موقعیتی است، نشان می‌دهد که عوامل زمانی و مکانی مؤثر در وقف، چه بوده‌اند و واقف با درک درست از موقعیت، زمان و مکان، اقدام به حبس مال خویش کرده است.

بنابراین بر طبق نظریه هلیدی، قیدها یا ادات عناصر پیرامونی هستند که به شکل‌های مختلف، رفتارهای زبانی را توجیه کرده و یا توضیحی به آن می‌افزایند. وی در توضیح چگونگی عمل نظریه خویش در زبان‌شناسی عمومی، نظریه مقوله و میزان را ارائه کرده است. این نظریه که در زبان فارسی توسط دکتر باطنی بررسی شده است، کارکردها و نقش‌های عناصر یک متن را بیان می‌نماید.

۳-۳-۱. نظریه مقوله و میزان هلیدی

تجارب زبان‌شناسان مؤید این حقیقت است که زبان‌ها علی‌رغم اختلافاتشان، دارای وجوه مشترک نیز هستند. ایشان این وجوه مشترک را در قالب نظریه‌های عمومی زبان ارائه کرده‌اند (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۳). نظریه مقوله و میزان (Scale and Category) هلیدی مهمترین نظریه زبان‌شناسی عمومی انگلستان است که در پژوهش حاضر برای بررسی متن به کار گرفته شده است.

طبق این نظریه همه زبان‌های جهان از امواج صوتی در گفتار، و از نشانه‌های دیداری در نوشتار، به عنوان ماده اولیه استفاده می‌کنند تا درباره جهان بیرون و دریافت انسان از آن بحث کنند. زبان‌های مختلف به طور متفاوت بین ماده اولیه خود و جهان بیرون رابطه برقرار می‌کنند؛ یعنی طرح‌ها و الگوهای متفاوتی بر ماده اولیه تحمیل می‌نمایند



(همان، ۲۱).

همچنین دکتر باطنی بر اساس نظریه هلیدی بیان می‌کند که: زبان بر روی دو محور کار می‌کند؛ یکی محور زنجیری (chain axis یا syntagmatic axis) که نماینده تسلسل یا توالی عنصرهای سازنده زبان در روی بعد زمان است و دیگری محور انتخابی (choice axis یا paradigmatic axis) که نماینده امکانات گوناگونی است که در هر نقطه از زنجیره گفتار در اختیار گوینده قرار داده تا از میان آنها یکی را برگزیند (همان، ۳۵)

«این نظریه عمومی برای دستور چهار مقوله و سه میزان می‌شناسد. مقولات در فارسی عبارتند از: واحد (unit)، ساختمان (structure)، طبقه (class) و دستگاه (system). دو مقوله اول متعلق به محور زنجیری و دو مقوله دیگر متعلق به محور انتخابی است» (همان، ۴۳). بنابراین هر واحد می‌تواند در جایگاه خویش، به واحدهای کوچکتری تقسیم شود که هر یک از این واحدها امکان جانشینی و گاه تغییر دارند.

در زبان فارسی پنج واحد وجود دارد که به ترتیب بزرگ‌تر به کوچک‌تر عبارتند از: جمله (sentence)، بند (clause)، گروه (phrase یا group)، کلمه (word) و واژگ (morpheme). (همان، ۶۰).

جمله: جمله به آن واحد زبانی گفته می‌شود که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد. (همان). در واقع «جمله یک ساخت کلامی است که جزئی از ساخت بزرگتری نباشد» (نجفی، ۱۳۷۶: ۹۷). به همین دلیل است که «واحد درک برای ما جمله است. ما همواره در فضای کاربرد جمله‌ها معنای واژه‌ها را آموخته‌ایم» (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۷۹). بند: بند به آن واحد زبانی گفته می‌شود که از یک گروه یا بیشتر ساخته شده باشد و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی جمله به کار می‌رود. عنصرهای ساختمانی بند عبارتند از: اسناد (محل کارکرد فعلی)، متمم (محل کارکرد گروه اسمی)، مسندالیه (محل کارکرد گروه اسمی به جز مفعول)، ادات (محل کارکرد گروه قیدی) که در پژوهش حاضر، مورد اخیر موضوع مورد بحث می‌باشد. (باطنی، ۱۳۷۰: ۷۴)

گروه: گروه به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند به کار می‌رود. (همان، ۱۱۰) کلمه (واژه): به آن واحد زبانی گفته می‌شود که از یک واژگ یا بیشتر ساخته شده باشد و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی گروه به کار می‌رود. (همان، ۱۷۸) «این نظریه در دستگاه دستوری زبان سه میزان (scale) می‌شناسد. میزان یعنی رابطه

پیوسته بین چند عنصر یا چند عامل که در یک طرف نشان‌دهنده حداقل و در طرف دیگر نشان‌دهنده حداکثر یک خصوصیت باشد. این سه میزان دستوری عبارتند از میزان مراتب (scale of rank)، میزان نمود (scale of Exponence) و میزان تحلیل (scale of Delicacy) (همان، ۵۱). میزان مراتب، در مطالعه، از واج تا جمله مرکب و متن، پیش می‌رود و معتقد است که بازگشتن از متن به واج نیز باید درست باشد. اما میزان نمود، عنصر ساختمانی یا نقش و طبقه یا نوع کلمه و سرانجام خود واژه را نشان می‌دهد. در نهایت، میزان تحلیل، از دو، سه یا چهار جزئی بودن جمله‌های گسترده شده سخن می‌گوید. بنابراین توضیحات ارائه شده، قیده‌ها گروه‌هایی هستند که در جمله قابل تغییر و یا حذف هستند و برای افزودن توضیح به جمله به کار می‌روند. در نتیجه موضوع پژوهش ما بررسی مقوله واحد و به تبع آن گروه، گروه اسمی و ادات (قید) خواهد بود و بررسی میزان‌ها و سایر مقولات را در بر نخواهد گرفت.

۴-۳-۱. ساختمان گروه قیدی در نظریه مقوله و میزان هلیدی

در دستور زبان فارسی، کلمه یا عبارتی که چگونگی انجام یافتن فعل را بیان می‌کند، «قید» خوانده می‌شود. قید چگونگی روی دادن فعل را بیان می‌کند و به فعل وابسته است. (ناتل خانلری، ۱۳۵۲: ۷۰). «قید دارای مفاهیم متعددی است که از آن جمله می‌توان موارد زیر را نام برد: زمان، مکان، آغاز و یا مبدأ زمان و مکان، پایان و یا مقصد زمان و مکان، وضعیت، حالت و چگونگی، مقدار و اندازه، ترتیب، دقت، تکرار، علت، شرط، استثناء، حصر، تردید و احتمال، منظور و هدف، سوگند و آرزو، دعا، تقابل و تباین، نتیجه و حاصل، ایجاب و تأکید، نفی و انکار، پرسش (درباره زمان، مکان، وضعیت، حالت، ترتیب، مقدار و اندازه، علت و...)، پرسش و اعتراض» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۶۷).

ممکن است قید یا متمم قیدی به صورت یکی از واژه‌های قیدی، حرف اضافه + گروه اسمی، گروه اسمی و یا جمله وابسته قیدی به کار رود (همان، ۲۰۱). بر اساس نظریه مقوله و میزان هلیدی، به طور کلی گروه‌های قیدی در زبان فارسی را می‌توان به دو گروه اصلی و چهار گروه زیر مجموعه تقسیم نمود. این طبقه‌بندی به صورت اجمالی در نمودار زیر نمایش داده شده است (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۷۲).

از آنجا که وقف‌نامه‌ها نیز از متون فارسی به شمار می‌آیند، از این قاعده مستثنی نبوده و در همین طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. اما هر یک از طبقات یاد شده در متن وقف‌نامه‌ها دارای بسامد متفاوت بوده و تکرار و کاربردشان با دیگری متفاوت است.



۲. بحث و بررسی

از آنجا که وقفنامه‌ها در زمره وصیت‌نامه‌ها هستند و مانند سایر متون زبان فارسی در دسترس همگان قرار ندارند، لذا جهت بررسی آنها به ناچار و جهت دوری از اطناب کلام به عبارات برگزیده بسنده شد. عبارات مذکور از پنج وقفنامه به شرح زیر انتخاب شده‌اند:

وقفنامه شماره ۱: وقفنامه میرزا هادی خان کارگذار (مورخه ۱۲۹۲ قمری)

وقفنامه شماره ۲: وقفنامه حاجی باقر زرگر (مورخه ۱۳۱۰ قمری)

وقفنامه شماره ۳: وقفنامه حاج میرزا محمدعلی حکیم‌باشی (مورخه ۱۲۹۶ قمری)

وقفنامه شماره ۴: وقفنامه عمادالدوله امامقلی میرزا (مورخه ۱۲۸۹ قمری)

وقفنامه شماره ۵: وقفنامه بی‌بی جان خانم (مورخه ۱۳۱۱ قمری)

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا از ذکر قیده‌های مشترک در چند وقفنامه پرهیزکرده و ساخت‌های متنوعی از قیده‌ها ارائه گردد.

در وقفنامه شماره (۱) آمده است:

الف: وقف مؤید و حبس مخلد اسلامی نمود سه دانگ مفروضه قریه کبوده مشهور نشاط‌آباد در حال شش دانگ محسوب می‌شود با تمامی اعیان موجود در آنجا از قلعه و باغات و غیره به علاوه اعیان عمارتی و اشجار و کروم موجوده در کل شش دانگ باغ نشاط را به علاوه اعیان موجود در چهار دانگ مشاع از کل شش دانگ حمام مردان و زنانه به اسم ملا باشی را به این قسم...

ب: همه ساله، مبلغ چهل تومان تبریزی رایج خزانه برای شریف مکه معظمه بفرستند.

پ: مابقی را به مصارف روشنایی چراغ‌های بین صفا و مروه در یک‌ماهه ذی‌الحجه الحرام برسانند. اینطور که در یک طرف آنها چدن‌هایی نصب نمایند و سیمی بکشند و در مزروعی یک چراغ نصب نمایند که در تمام یک‌ماهه ذی‌الحجه الحرام از اول شب الی نیم ساعت از طلوع فجر گذشته جمیع چراغ‌ها روشن باشند.

ت: واقف موقوفه مرقوم در ضمن صیغه وقف تولیت املاک موقوفه را مادام الحیات برای خودشان قرار دادند.

جدول ۱: قیدهای وقفنامه کارگذار

قیدهای با علامت صوری		قیدهای بدون علامت صوری	
دارای علامات عربی (قید مختص)	گروه دارای حرف اضافه (قید مختص)	طبقه باز وازگانی (قید مختص)	طبقه بسته دستوری (قید مختص)
مابقی	در حال با تمامی در آنجا به علاوه در کل در ضمن از اول شب الی نیم ساعت از طلوع فجر گذشته	جمع	اینطور که مادام الحیات

گروه اسمی در جایگاه ادات (قیدهای مشترک): سه دانگ (مقدار)، قریه کبوده (اسم- مکان)، نشاط آباد (اسم- مکان)، شش دانگ (مقدار)، چهاردانگ (مقدار)، قلعه و باغات (اسم- مکان)، عمارتی (اسم- مکان)، کروم (اسم- مکان)، باغ نشاط (اسم- مکان)، حمام (اسم- مکان)، چهل تومان (مقدار)، مکه معظمه (اسم- مکان)، صفا و مروه (اسم- مکان)، همه ساله (زمان)، یکماهه (زمان).

اگرچه تعداد قیدهای موجود در وقفنامه شماره (۱) بیش از موارد ذکر شده بود اما مثال‌های فوق نشان می‌دهد که در این متن قیدها عموماً از نوع قیود مشترک یا گروه‌های اسمی هستند که می‌توانند علاوه بر جایگاه ادات، در نقش‌های دیگر نیز ظاهر شوند. همچنین گروه‌های اسمی دارای حرف اضافه از بسامد و تکرار بالایی برخوردار هستند. این قیود اکثراً از نوع مکانی و زمانی بوده و جایگاه‌های مختلفی دارند.

قیدها در وقفنامه میرزا هادی خان کارگذار، اسامی خاص اماکنی (حمام، قلعه، عمارت) هستند که در روزگار واقف، جنبه اجتماعی و عمومی داشته و صرف منافع عموم می‌گردد. همچنین وی در وقفنامه بیان داشته که حق وصی و وراث بعد از او محفوظ باشد تا زحماتی که برای موقوفه می‌کشند، جبران شود؛ که این نشان از جنبه عاطفی انجام وقف و حس قدرشناسی واقف دارد.

برخی قیدهای مقدار و مکان، بیان‌کننده میزان و محل صرف عواید وقف هستند. وی مبلغ قابل توجهی را برای روشنایی و نظافت حد فاصل صفا و مروه در نظر گرفته است و این نیت از وقف در اماکن مقدس، نشان از گرایش‌های مذهبی واقف و کاربرد دینی وقفنامه‌ها دارد.

در وقفنامه شماره (۲)، اهم عبارات مشتمل بر قید عبارتند از:



الف: چهاردانگ و نیم دکان سر چهارسوق و سه دانگ دکان زرگری را بابت ثلث معین نموده که همه ساله بعد از وضع مصارف عایدی وصال، به مصرف خیرات و مبرات وجوه برساند و اضافه از ثلث را چهل سال صوم و صلوه از قرار سالی هشت تومان استیجار نمایند. و جنازه را بعد از کفن و دفن حمل به نجف اشرف نموده و در وادی السلام دفن نمایند.

ب: فی بیست و پنجم بهمن هزار و سیصد و ده

پ: سواد مطابق با اصل است که در نزد اینجانب است.

جدول ۲: قیدهای وقفنامه زرگر

قیدهای بدون علامت صوری		قیدهای با علامت صوری	
طبقه بسته دستوری	طبقه باز واژگانی	گروه دارای حرف اضافه	دارای علامات عربی
بابت سالی چهل و هشت تومان		بعد از اضافه از قرار در نزد سر چهارسوق	ثلث

گروه اسمی در جایگاه ادات: چهاردانگ و نیم (مقدار)، همه ساله (زمان)، چهل سال (زمان)، سالی (زمان)، هشت تومان (مقدار)، نجف اشرف (اسم- مکان)، وادی السلام (اسم- مکان)، بیست و پنجم بهمن ۱۳۱۰ (زمان).

در وقفنامه فوق، گروه‌های اسمی جانشین ادات از پرکاربردترین انواع قید بوده که شامل اسامی اماکن و گاه قیدهای زمان هستند. اسامی خاص در این گروه، بسیار چشمگیر می‌باشند.

در این وقفنامه، واقف پس از آنکه تکلیف ثلث اموال خویش را که باید صرف خیرات و مبرات شود، مشخص می‌کند؛ از متولی می‌خواهد تا چهل سال نماز و روزه برای او به جای آورد. این نوع وقف نشانگر تمایل واقف به جلب خشنودی و رضای خداوند، برقراری عدالت اجتماعی و انجام کارهای خیر است. همچنین می‌توان چنین برداشت کرد که واقف، در زمان حیات خویش، در انجام واجبات دینی چون نماز و روزه کاهلی ورزیده است یا آنچه را که انجام داده کافی ندانسته است.

درخواست واقف برای انتقال پیکر او به نجف اشرف و قبرستان وادی‌السلام نشان از تمایلات اعتقادی و باورهای مذهبی او دارد، چراکه درباره این مکان، روایات متعددی وجود دارد که در باور جمعی مسلمین مورد توجه می‌باشد. در روایت آمده است: امام علی علیه السلام همراه یکی از اصحاب خویش، به وادی السلام می‌رود و در آنجا می‌فرماید:

«مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ الْحَقِي بِوَادِي السَّلَامِ وَ
إِنَّهَا لَبُقْعَةٌ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ»

«هیچ مومنی در جایی از زمین نمیرد؛ مگر آن که به روح او فرمان دهند که به وادی السلام آید. اینجا، نقطه‌ای از بهشت است» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۶۰۰).

در وقفنامه شماره (۳) بارزترین عبارات حاوی قید عبارتند از:

الف: چون وصیت امری است مرغوب...

ب: لهذا توفیق شامل حال عالیجناب افلاطون الزمان، صاحب‌الانفاس القدسیه آقا میرزا

حکیم‌باشی گردید قبل از آنکه کوس الرحیل به گوش او کوفته شود.

پ: در هر سال دوازده ختم قرآن بگیرند و مابقی را صرف اطعام مساکین و غربا نمایند؛

در ایام و لیالی متبرکه...

ت: پنج باب دکاکین واقعات در کنار آشورا و سرچشمه ابراهیم را وقف مؤید و حبس

مخلد نمودند که وجه اجاره آنها را اخراجات روضه‌خوانی سالیانه حضرت خامس آل عبا

علیه التحیه و التناء امام مظلومان نمایند.

ث: دکان علافی، سبزی فروش، تنباکو فروش، دکان بقالی و واقعین در تحت عمارت

مشهدی نعمت و اسباب حسینیه از قبیل فرش و سرقلیان و سماور و اسباب چای‌خوری

...داخل در موقوفات است.

ج: امسال را به توفیق حضرت باری عازم مکه معظمه می‌باشم.

چ: اسباب‌های زنانه و رخوت دخترعمو، تماما مصالحه به او شده، به وجه شرعی احدی

دخل و تصرف در آن ننمایند.

جدول ۳: قیدهای وقفنامه محمد علی حکیم‌باشی

قیدهای با علامت صوری (قید مختص)		قیدهای بدون علامت صوری (قید مشترک)	
گروه دارای علامات عربی	گروه دارای حرف اضافه	طبقه باز واژگانی	طبقه بسته دستوری
لهذا تماما	در هر سال در کنار در تحت به توفیق به وجه شرعی از قبیل		قبل از آنکه چون



گروه اسمی در جایگاه ادات: مرغوب (چگونگی)، دوازده ختم قرآن (مقدار)، ایام و لیالی (زمان)، پنج باب (مقدار)، آشورا (اسم- مکان)، سرچشمه ابراهیم (اسم- مکان)، سالیانه (زمان)، امسال (زمان)، مکه معظمه (اسم-مکان).

در وقفنامه شماره (۳)، گروه‌های اسمی در جایگاه ادات از بالاترین بسامد برخوردار بوده و عموماً نمایانگر زمان و مکان هستند.

در وقفنامه حکیم‌باشی، استفاده از قید مرغوب برای عمل وصیت کردن، بیان چگونگی و حالت برای تشویق و ترغیب افراد به انجام وصیت و به ویژه وقف است. همچنین این عبارت مؤید آن است که وقفنامه‌ها زیرمجموعه وصایا هستند. وصیت به ختم قرآن، تأکید بر انجام برخی اعمال در لیالی متبرکه، برپایی مجالس روضه‌خوانی و تشریف به مکه معظمه نشان از اعتقادات مذهبی واقف و اهداف دینی و آیینی نگارش وقفنامه می‌باشد. اطعام فقرا و مساکین علاوه بر آنکه می‌تواند مؤید فقر عمومی جامعه باشد؛ نشان فرانشی اجتماعی است که در آن فرانش عاطفی خدمت به هم‌نوع نیز مستتر می‌باشد. همچنین ذکر عناوین مشاغل (قیود مکان) در وقفنامه، می‌تواند راهگشای نظام اجتماعی دوره قاجار و مشاغل جامعه باشد و در زیر مجموعه فرانش‌های اجتماعی قرار گیرد. تأکید بر عدم مداخله دیگران در امور و اسباب دختر عمو، نشان از اهمیت زنان و تعلق خاطر واقف به وی و بیانگر فرانش عاطفی است.

در وقفنامه شماره (۴)، عباراتی که کاربرد قید در آنها چشمگیر است عبارتند از:

الف: پس بر هر ماده بصیر لازم است که زمان قلیل توقف در آن را غنیمت دانسته؛ به مقتضای «و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله...»

ب: لهذا برخی از توفیقات حضرت سبحانی و بعضی از تأییدات نامتناهی یزدانی شامل حال نیکو منوال نواب مستطاب، تک جناب سپهر رکاب عظمت و حشمت و جلالت انتساب فروزان اختر برج دولت و جهان دارای درخشان گوهر درج شوکت و کامکاری...

پ: وقف موبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمودند همگی و تمامی اعیان مملوک و کل شش دانگ کاروانسرای بزرگ احدائی خود و کل شش دانگ بازار و دکاکین قیصریه ایضا، احدائی خود و کل شش دانگ تیمچه واقع در چهار سوق ایضا، احدائی خود و کل شش دانگ دکاکین واقع در دو دالان جنب مسجد احدائی خود را که آنها از حیث اشتهار مستغنی از تحدید و توصیف است.

ت: در هر ماه یا هر سه ماه یا هر شش ماه یا آخر سال اولاً: مخارج تعمیرات و

اصلاح کلیه معایب مسجد، مدرسه و حجرات مدرسه و اعیان موقوفه آنها را مقدم داشته و هکذا در صورت تطرق و هدم و حرمان بعضی از ابنیه او اغلبها را مقدم داشته و هکذا تقدیم مخارج دیوانی و عوارض آنها را در صورت عروض و مطالبه دوانیان منظور داشته و هکذا مال الاجاره اراضی و اعیان موقوفه، اعیان وقفی مسجد و مدرسه را نیز مقدم دانسته که به وکیل متولی موقوفات داده که به نجف اشرف برساند. بعد از اخراج کل ذلک، بقیه منافع عاید را متولی و ناظر آتی ذکرهما منقسم و منسهم یک هزار سهم و قسمت نموده و به هر یک از موقوف علیهم مفصله در ذیل از قرار تفصیل برسانند.

ث: مفوض نمودند به نفس نفیس خود مادام که حاکم عدالت شعار دارالدوله می باشند و بعد بر حکام عدالت شعار دارالدوله کرمانشاهان در عهدی و عصری که شیوه مرضیه عدالت هم شایسته ایشان باشد.

ج: دکاکین و حجرات موقوفه متعلقه به آنها را زیاده بر مدت یکسال اجاره ندهند، نه به شخص واحد و نه به اشخاص متعدده...

چ: به عبارت اخری تا اجاره یک سال منقضی نشود اجاره دیگر واقع نسازند، متولی و ناظر اصلا...

جدول ۴: قیدهای وقفنامه امامقلی میرزا

قیدهای بدون علامت صوری		قیدهای با علامت صوری	
طبقه بسته دستوری	طبقه باز واژگانی	گروه دارای حرف اضافه	گروه دارای علامات عربی
مادام که مفصله	بقیه همگی تمامی بعد مدت	به مقتضای برخی از بعضی از واقع در بعد از در ذیل در عهدوعصری زیاده بر به عبارت اخری از قرار	لهذا ایضا هکذا کل ذلک اصلا

گروه اسمی در جایگاه ادات: زمان قلیل (زمان- صفت)، نامتناهی (چگونگی- صفت)، نیکو منوال (چگونگی- صفت)، صحیح شرعی (چگونگی- صفت)، کل شش دانگ (مقدار)، بزرگ (چگونگی- صفت)، دو دالان (مکان)، جنب (مکان)، مسجد (مکان)، مدرسه (مکان)، حجرات مدرسه (مکان)، نجف اشرف (مکان)، آتی (زمان)، یک هزار سهم (مقدار)، دارالدوله (مکان)، کرمانشاهان (مکان)، یک سال (زمان).



در این وقفنامه نیز مانند سایر وقفنامه‌ها، گروه‌های اسمی جانشین ادات از پرکاربردترین انواع قیود بوده و از تکرار و بسامد بالایی برخوردار هستند. با این تفاوت که در این مورد، علاوه بر قیدهای زمان و مکان، قیود چگونگی یا کیفیت نیز به فراوانی استفاده شده‌اند.

اعتقاد به اغتنام فرصت در دنیا برای اندوختن توشهٔ آخرت، احداث مسجد و وقف آن و فرستادن عواید آن به نجف اشرف حاکی از گرایش‌های مذهبی واقف است. مقدم دانستن اصلاح و تعمیر مسجد و حجرات مدرسه نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت از نظر واقف امری پسندیده بوده و اهمیت وافری دارد. اهمیت دادن به حکم حاکم عادل کرمانشاهان و اشاره به شیوهٔ حکومت، بیانگر اندیشه‌ها و عقاید سیاسی واقف و فرانش اجتماعی و سیاسی وقفنامه است.

در وقفنامه شماره (۵) عبارات قیدی بررسی شده شامل موارد زیر می‌باشند:

الف: تولیتش مادام الحیاه با خود واقفهٔ مسطوره بوده و بعد، با عالیجاه معلی جایگاه جلالت دستگاه، محمد کریم خان مذکور، برادر صلبی و بطنی واقفهٔ مسطوره، و بعد اولاد ذکور محمد کریم خان مذکور نسلا بعد نسل، که هر ساله مداخل آسیای مرقومه را بعد از وضع اخراجات و عوارضات، صرف تعزیهٔ جناب سیدالشهداء، علیه آلاf التحیه و الثناء، در دههٔ عاشورا و خرج افطار سه شبهٔ احیاء بنمایند.

ب: هرگاه چیزی علاوه بود، قدری را صرف آبادانی موقوفهٔ مزبور کرده و مبلغی هم صرف معیشت خود نمایند.

پ: صلح ثانی با هر سه به عمل آمد که در صورت ظهور فساد و حق غیر، کلا أو بعضا از عهده برآیند.

ت: بعد ذلک، منافع نود سالهٔ سه دانگ مزبوره مختص مصالح معهم است و مالیات و تعمیرات آن هم کلا مجاناً با مصالح معهم است.

جدول ۵: قیدهای وقفنامه بی بی جان خانم

قیدهای با علامت صوری		قیدهای بدون علامت صوری	
گروه دارای علامت عربی	گروه دارای حرف اضافه	طبقهٔ باز واژگانی	طبقهٔ بستهٔ دستوری
نسلا بعد انسل کلا أو بعضا بعد ذلک کلا مجاناً	بعد از	بعد هرگاه	مادام الحیاه قدری مبلغی

گروه اسمی در جایگاه ادات: هرساله (زمان- صفت)، دهه عاشورا (زمان)، سه شبه احیاء (زمان)، ثانی (زمان)، نود ساله (زمان- صفت)، سه دانگ (مقدار).

در میان وقفنامه‌های بررسی شده، کمترین میزان کاربرد قید مربوط به این وقفنامه است و علت آن می‌تواند کوتاهی متن و همچنین کم بودن میزان موقوفات باشد. گروه‌های اسمی در این وقفنامه پرتکرار بوده و طبقه دسته‌دستوری نسبت به سایر وقفنامه‌ها پرتکرارتر به نظر می‌رسد.

متولی قرار دادن برادر و بعد از آن، فرزند ذکور، بیانگر اولویت‌های عاطفی و گرایشات خانوادگی واقف می‌باشد. برپایی تعزیه در ایام محرم بخشی از فرهنگ عامیانه روزگار قاجار و باورهای مذهبی واقف بوده است. دادن افطار در شب‌های احیاء، علاوه بر فرانش اجتماعی، گویای اندیشه‌های دینی نیز می‌باشد.



نتیجه‌گیری

اگرچه وقفنامه‌ها جزء متون متداول زبان فارسی نبوده‌اند، ولی همواره دارای دقایق فراوانی و نوشتاری فارسی و عربی هستند. یافته‌ها، حاکی از آن است که در بسیاری از موارد این متون با کاربرت قید از دستور زبان توانسته‌اند؛ روابط بینافردی واقف با دیگران و روابط بینامتنی متن با کتاب‌های دیگر و بخصوص قرآن مجید را که نشانگراندیشه دینی است، بیان کند و نیز روابط منطقی و تجربی را که بیانگر علل انتخاب شیوه حبس مال در راه خدا یا همان وقف است را مشخص نمایند که این با استفاده از تحلیل فرانتشی نظریه هلیدی قابل دستیابی است و در متن به پاره ای از آنها که مورد مطالعه قرار گرفته بودند؛ اشاره شد. از آنجا که قیده‌ها نقش مهمی در تدوین و نگارش وقف نامه‌ها دارند و نشان دهنده کارکردها و اهداف بسیار ارزشمند کار واقفان در این جستار هستند، به کمک نظریه هلیدی می‌توان نتایج به دست آمده از آن را در جدول و نمودار زیر خلاصه کرد:

جدول ۶: فراوانی قیده‌ها در پنج وقفنامه

وقفنامه	طبقه بستنی دستوری	طبقه باز واژگانی	گروه دارای حرف اضافه	گروه دارای علامات عربی	گروه اسمی در جایگاه ادات	جمع قیده‌ها
وقفنامه ۱	۲	۱	۸	۱	۱۵	۲۷
وقفنامه ۲	۲	-	۵	۱	۸	۱۶
وقفنامه ۳	۲	-	۶	۲	۹	۱۹
وقفنامه ۴	۲	۵	۱۰	۵	۱۷	۳۹
وقفنامه ۵	۳	۲	۱	۴	۶	۱۶
جمع قیده‌ها	۱۱	۸	۳۰	۱۳	۵۵	۱۱۷

شکل ۱: نمودار فراوانی قیده‌ها در وقفنامه‌ها

یافته‌های این پژوهش تحلیلی- استقرایی نشان می‌دهد که اصلی‌ترین رکن و بیشترین کاربرد طبقه در ساخت واژگانی و ساخت نحوی وقفنامه‌ها، گروه‌ها و جمله‌های قیدی فارسی و عربی هستند که غلبه ویژه‌ای در کاربرد واژگان و ترکیبات و جمله‌های عربی دیده می‌شود؛ که نشان‌دهنده تأثیر از سنت ادبی و نثرمتکلفانه است. لازم به ذکر می‌باشد که از میان گونه‌های معنایی قید، قیده‌های نوع گروه اسمی جانشین ادات (زمان، مکان، علت، شرط، تفسیر، تاکید، کیفیت، مقدار و...) دارای بسامدی بالا بوده و بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر شکل و فرم، ادب‌ورزی بخش مهم دیگری است که به عنوان التزام و قید شکل شناسانه در این متون مشاهده می‌شود.

کتابنامه

- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن مكرم، (۱۴۲۷)، *لسان‌العرب، تعليق خالد رشيد*، بيروت: الدارالبيضاء. ج ۱۵.
- باطنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، *توصيف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- -----، (۱۳۷۳)، *زبان و تفکر (مجموعه مقالات زبان‌شناسی)*، تهران: فرهنگ معاصر.
- روزنی، محمدعلی و دیگران، (۱۳۹۵)، «بررسی ساختار وجهی خطبه جهاد نهج البلاغه بر اساس فرانقش بینافردی نظریه نقش‌گرا»، *فصلنامه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*، سال هشتم، شماره ۲۱، صص ۱۱۴-۷۹.
- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۹)، *معناکوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات علم.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸)، *کلیات سبک‌شناسی*، ج ۵. تهران: فردوس.
- صفوی، کورش، (۱۳۹۱)، *آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی*، تهران: نشر علمی.
- عباسی، محمود و دیگران، (۱۳۹۲)، «انسجام واژگانی در متن سورنالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالییدی و حسن»، *نشریه جستارهای زبانی*، شماره ۴، صص ۲۸۳-۳۰۸.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- قونوی، قاسم‌بن عبدالله، (۱۴۰۶)، *انیس الفقها فی تعریفات الالفاظ المتداوله بین الفقهاء*، تحقیق احمدبن عبدالرزاق الکببسی، بی‌جا.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۹)، *اصول الکافی*، جلد ۵، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- متیوز، پیتر هیوگو، (۱۳۸۸)، *زبان‌شناسی*، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران: فرهنگ معاصر.
- مشکوه‌الدینی، مهدی، (۱۳۷۰)، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی، (۱۳۷۶)، *به سوی زبان‌شناسی شعر*، تهران: مرکز.
- میرحسینی، محمدحسن، (۱۳۸۴)، «نکته‌یابی از وقف‌نامه جامع الخیرات»، *فصلنامه فرهنگ*، شماره ۵۶، صص ۱۶۳-۱۸۴.
- نائل خانلری، پرویز، (۱۳۵۲)، *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- نجفی، ابوالحسن، (۱۳۸۸)، *جستارهایی در نقش‌گرایی*، مشهد: انتشارات قلم.
- -----، (۱۳۷۶)، *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*، تهران: نیلوفر.
- هلیدی، مایکل؛ رقیه، حسن، (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن*، مترجم‌ها مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: علمی.